

## بازنمایی قدرت در رسانه‌های داعش: تحلیل مضمون مجله دابق

DOR:20.1001.1.23225580.1399.10.1.6.7

نوع مقاله: پژوهشی

مهدی عباس زاده فتح آبادی<sup>۱</sup>، فایزه رحیمی مقدم<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۰۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۲۰

### چکیده

جهان امروز عرصه‌ی رقابت رسانه‌هاست. رسانه‌ها با توجه به ابعاد کاربردی خود توانایی شکل‌دهی به اذهان را دارند. داعش اهمیت زیادی به انواع رسانه‌ها می‌دهد و نقش رسانه را در جهان امروز به خوبی درک کرده است. هدف مقاله حاضر تحلیل بازنمایی قدرت در رسانه‌های داعش با تاکید بر دابق می‌باشد. مقاله حاضر در پی پاسخ به این سؤال است که در رسانه‌های داعش، قدرت چگونه بازنمایی شده است؟ در این راستا با در نظر گرفتن تعاریف و مقولات مربوط به قدرت نرم به بازخوانی مجله دابق پرداخته شده و با لحاظ کردن این مقولات شیوه بازنمایی رسانه‌ای داعش برخاسته از مفهوم و مقولات قدرت با استفاده از روش تحلیل مضمون بررسی شده است. بررسی مجله دابق نشان می‌دهد که داعش با اعلام خلافت اسلامی، از چند طریق توانست اعمال قدرت کند؛ با استفاده از روایات و اسطوره‌های دینی، خلافت اسلامی را احیا کرده و با تقویت قدرت معنوی و متقاعدسازی، طیفی از مسلمانان سراسر جهان را با خود همراه سازد تا با «بیعت» و «هجرت» تحت لوای خلیفه قرار گرفته و جهاد کنند و یا با انجام عملیات‌های تروریستی قدرت داعش را در سراسر جهان به نمایش بگذارند. از دیگر مقولات مهم در این بررسی توجه زیاد داعش در بازنمایی قدرت نظامی و امنیتی، قدرت تنبیهی و مجازات، قدرت اقتصادی و خدمات اجتماعی و رفاهی بوده است.

**واژه‌گان کلیدی:** بازنمایی، قدرت نرم، داعش، رسانه، مجله دابق.

۱- استادیار علوم سیاسی دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران. (نویسنده مسئول) maphdir@gmail.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران.

## مقدمه

رسانه‌های نوین و شبکه‌های اجتماعی از جمله بسترهای نوظهور، قدرتمند و تعیین‌کننده ارتباطات فردی و بین‌المللی است. بستری که در خدمت دیپلماسی عمومی قرار گرفته و از جمله اهداف تصویرسازی از طریق آن، افزایش اعتبار و کسب اعتماد جهانی است (سجادپور و وحیدی، ۱۳۹۰: ۸۷). رسانه‌های عمومی می‌توانند شرایط مناسب را زمینه‌سازی و تعریف کنند، رویدادها و شخصیت‌های تأثیرگذار را برجسته نمایند، نقش سازمان‌دهی به سیاست‌ها و رفتارهای دیپلماتیک را ایفا کنند (پورااحمدی، ۱۳۸۹: ۲۱۴-۲۱۳) و حتی بر تصمیمات سیاسی دیگر کشورها اثر بگذارند.

داعش همانند هر گروه بنیادگرای دیگر، به‌منظور تأثیرگذاری خشن و مؤثر بر معادلات سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی در سطوح خرد و کلان و افکار عمومی جوامع هدف، از ظرفیت دیپلماسی عمومی و قدرت رسانه‌ها به‌خوبی استفاده کرد. این گروه از همان ابتدا خود را در قالب نظام سیاسی با نام «دولت اسلامی عراق و شام»<sup>۱</sup> به جهانیان معرفی کرد و از ساختار رهبری و دولت مدرن برخوردار بود. چراکه در ساختار خود برای سازمان‌دهی منطقه تحت کنترل خود مناصب متعددی را در نظر گرفته بود. در سیاست خارجی نیز با تشکیل شورایی رسانه‌ای، وظیفه دیپلماسی رسانه‌ای را بر عهده این شورا قرار دادند و از همان آغاز فعالیت‌های خود، رسانه‌های گوناگون را برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی و جذب نیرو به خدمت گرفتند. باوجود آنکه گروه‌های تروریستی پیش از داعش نیز برای دستیابی به اهداف خود از شبکه‌های ارتباطی استفاده کرده‌اند. آمارها حاکی از این است که برخلاف گروه‌های پیشین، داعش به‌خوبی توانسته است از امکانات رسانه‌ای موجود،

<sup>۱</sup> الدولة الإسلامية في العراق والشام (Islamic State of Iraq and the Levant)

برای پیشبرد اهداف خویش بهره برد. استفاده گسترده داعش از رسانه‌های مجازی و اینترنت، سبب شد تا برخی تحلیل‌گران اینترنت را «زمین‌بازی اصلی داعش» بنامند (نجات‌پور، ۱۳۹۳: ۹۹).

بازنمایی<sup>۱</sup> نه انعکاس و بازتاب معنای پدیده‌ها در جهان خارج که تولید و ساخت معنا براساس چارچوب‌های مفهومی و گفتمانی است (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۰). بازنمایی، تولید معنی برای مفاهیم درون ذهن ما از طریق زبان است. بازنمایی، حلقه‌ی پیوند میان مفاهیم و زبان است و ما را قادر می‌سازد تا جهان واقعی اشیاء، آدمیان و رویدادها را به جهان انگارشی<sup>۲</sup> اشیاء، آدمیان و رویدادهای تخیلی ارجاع دهیم (هال، ۱۳۹۳: ۳۵۲). به نظر استوارت هال<sup>۳</sup>، هیچ چیز معناداری خارج از گفتمان وجود ندارد و وظیفه مطالعات رسانه‌ای سنجش شکاف میان واقعیت و بازنمایی نیست؛ بلکه تلاش برای شناخت این نکته است که معانی به چه نحوی از طریق رویه‌ها و صورت‌بندی‌های گفتمانی تولید می‌شود. از دیدگاه هال، جهان از طریق بازنمایی ساخته شده و می‌توان آن را از نو بازسازی کرد. واقعیت به نحوی معنادار وجود ندارد و بازنمایی یکی از شیوه‌های کلیدی تولید معناست و معنا صریح یا شفاف نیست و از طریق بازنمایی در گذر زمان یک‌دست باقی نمی‌ماند (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۶-۱۵). لذا بررسی شیوه بازنمایی رسانه‌ای داعش واجد اهمیت است. از این‌رو پژوهش حاضر بر آن است تا بازنمایی قدرت (خصوصاً قدرت نرم) را در رسانه‌های داعش بررسی کند؛ چراکه نگارنده بر این اعتقاد است که رفتار رسانه‌ای داعش فرم خاصی از بازنمایی مفهوم قدرت را به‌منظور تأثیرگذاری بر افکار

<sup>1</sup> Representation

<sup>2</sup> Imaginary

<sup>3</sup> Stuart Hall

عمومی جهان به نمایش گذاشته است و بررسی آن می‌تواند ابعاد گوناگونی از سیاست و اهداف این گروه را نمایان کند.

## اهداف و پرسشهای پژوهش

اهداف پژوهش عبارتند از: بررسی شیوه بازنمایی قدرت در رسانه های داعش و شناسایی منابع قدرت بویژه قدرت نرم داعش و همچنین پرسشهای پژوهش این است که: شیوه بازنمایی قدرت در رسانه های داعش بخصوص مجله دابق چگونه است؟، داعش از رسانه ها چگونه بهره می‌گیرد؟ و منابع قدرت داعش بویژه قدرت نرم کدام اند؟

### ۱- پیشینه پژوهش

عراقچی و جوزانی کهن (۱۳۹۶)، در مقاله‌ای با عنوان «بهره‌برداری داعش از فضای مجازی» با توجه به نظریه مارییچ خشونت، به تبیین نحوه شکل‌گیری مؤسسات رسانه‌ای داعش و اهداف آن‌ها در فضای مجازی پرداخته‌اند. نوربخش و مهدی زاده (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان «ایدئولوژی جریان داعش و دلایل تاریخی - اجتماعی گرایش به آن» با تحلیل ۱۱ شماره از نشریه دابق با استفاده از مطالعه اسنادی و تحلیل متن، به بررسی ایدئولوژی این جریان پرداخته و در چارچوب مبانی نظری موعودگرایی به این نتیجه دست یافته‌اند که داعش با استفاده از مفاهیمی همچون هجرت، جهاد و آخرالزمان پیروان خود را برای تشکیل خلافت اسلامی دعوت می‌کند و از طریق نیاز مردم به موعود و منجی آن‌ها را به سوی خود جذب می‌کند.

نجات‌پور و همکاران (۱۳۹۳)، در پژوهشی با عنوان «پدیده داعش و شگردهای رسانه - ای» به تبیین به‌کارگیری شگردهای متفاوت رسانه‌ای داعش برای پیشبرد اهداف خود در منطقه خاورمیانه پرداخته‌اند. نگارندگان ضمن بررسی مباحث نظری کارکرد رسانه و پیوند

آن با سیاست، به این نتیجه رسیده‌اند که داعش دیدگاه‌های افراطی خود را از طریق رسانه‌هایی مثل توئیتر، فیس‌بوک، مجلات آنلاین بازتاب می‌دهد. عطارزاده (۱۳۹۶)، در پژوهشی تحت عنوان «رسانه، آوردگاه قدرت هوشمند داعش» ضمن بررسی عملکرد رسانه‌های داعش در فضای مجازی، دریافته است که داعش، رسانه‌ای‌ترین گروه تروریستی در میان گروه‌هایی است که به دنبال ترویج افکار تروریستی، جذب نیروها و توسعه سازمانی خود بوده‌اند.

یک تحلیل مرکز کارتر (۲۰۱۵) با عنوان «نمای کلی مجله دابق، پروپاگانداي جذب آنلاین نیروی داعش» از طریق تحلیل کیفی و کمی با روش کدگذاری جزئی، بدنبال شناخت استراتژی‌های جذب نیروی موفق دولت اسلامی به این موضوع دست یافته که نمادگرایی آخرالزمانی دینی، نقش برجسته‌ای در جذب نیروی داعش دارد و روند موضوعات دابق با گذشت زمان تغییر کرده است. متیو ورگانی (۲۰۱۵) در مقاله‌ای با عنوان «سیر تحول زبان داعش: تحلیل کمی زبان سال نخست انتشار مجله دابق» تحلیل می‌کند که وابستگی، انگیزه روان‌شناختی بسیار مهمی برای این گروه است. داعش، هیجانات را به طور فزاینده‌ای مورد استفاده قرار داده است و برای داعش، یک عامل بسیج‌کننده مهم در ادبیات کنش جمعی به حساب می‌آید.

## ۲- مبانی نظری

### ۲-۱- بازنمایی

مفهوم بازنمایی به فرایند اجتماعی «مظهر چیزی بودن» تعریف شده است. این اصطلاح هم به فرایند نشانه‌ها که مظهر معناهایشان هستند و هم به محصول این فرایند اشاره دارد. بازنمایی عبارت است از: فرایند قراردادن یک مفهوم ایدئولوژیک در قالب مشخص.

بازنمایی فرایند اجتماعی فهم‌پذیرسازی، در چارچوب همه نظام‌های «دلالت‌کننده در دسترس» می‌باشد (اسولیون و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۰۱-۱۰۰).

به عقیده هال معناهایی که به واسطه نظام معنایی بازنمایی، تولید و منتشر می‌شوند پیوند تنگاتنگی با قدرت دارند. آن‌ها معمولاً از طریق مشروعیت‌بخشی یا مشروعیت‌زدایی، در خدمت تحکیم و تخریب مناسبات قدرت قرار می‌گیرند (هال، ۱۳۹۳: ۲۰-۱۹). بازنمایی‌ها در بافت معانی (مثل عقل سلیم<sup>۱</sup>) تولید و توزیع می‌شوند، اما این وضعیت تحت اداره و کنترل یک نظام قدرت است که به بعضی از معانی مشروعیت می‌بخشد و به بعضی دیگر خیر؛ بنابراین بعضی از این ایده‌ها و معانی مسلط و بقیه کنار گذاشته می‌شوند. از این لحاظ است که می‌توان بازنمایی را ایدئولوژیک دانست (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۷)؛ بنابراین بازنمایی فرهنگی و رسانه‌ای نه امری خنثی و بی‌طرف، بلکه آمیخته به روابط و مناسبات قدرت جهت تولید و اشاعه معانی مرجح در جهان، در راستای تداوم و تقویت ایده‌های خاص است (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۶).

واقعیت براساس بازنمایی‌های رسانه‌ای شکل می‌گیرد و ساخته می‌شود. هیچ امر فرازبانی، فراگفتمانی و فراتاریخی وجود ندارد که به نحو عینی و شفاف انعکاس یابد؛ بلکه هرگونه فهم و شناختی از واقعیت، امری است که در زبان و گفتمان ساخته می‌شود. معنا نه اکتشافی طبیعی که برساخته‌ای اجتماعی است. معانی و بازنمایی رسانه‌ای اگرچه برساخته-ای اجتماعی و فرهنگی است، اما ایدئولوژی و گفتمان سعی می‌کند آن معانی و بازنمایی را امری «طبیعی» و فراگفتمانی و فرازبانی جلوه دهد (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۰).

<sup>۱</sup> Common sense

## ۲-۲- قدرت نرم

نای، قدرت نرم را قدرت فرهنگی، ارزشی و سیاست خارجی مشروع تعریف می‌کند که توانایی ایجاد جذابیت و دستیابی به قلوب و اذهان دولت‌ها و ملت‌ها را برای یک کشور فراهم می‌سازد (Nye, 2011: 3). نای تعریف‌های مختلفی از قدرت نرم ارائه می‌کند که به برخی اشاره می‌شود: توانایی شکل دادن به ترجیحات دیگران (نای، ۱۳۸۶)؛ توانایی کسب مطلوب از طریق جاذبه (نای، ۱۳۸۷)؛ قدرت جذب، اقناع و شیفتگی (نای، ۱۳۸۷)؛ توانایی تعیین اولویت‌ها به‌نوعی که مشروع به نظر آید یا دارای اعتبار معنوی باشد (نای، ۱۳۸۷)؛ یک نیروی فرهنگی-اقتصادی (نای، ۱۳۸۷)؛ توانایی جذب کردن (نای، ۱۳۸۶)؛ توانایی تأثیر بر دیگران به‌نحوی که خواسته‌ی شما به خواسته‌ی آنها تبدیل شود (نای، ۱۳۸۷).

به‌طور کلی قدرت نرم عبارت است از: توانایی به‌دست آوردن خواسته‌ی خود با جذب و اقناع دیگران برای رسیدن به اهداف خود. قدرت نرم برآیند تصویرسازی مثبت از خود، تأثیرگذاری همراه با رضایت بر دیگران، خواسته دیگران را تابع خود کردن و مؤلفه‌های مشابه است. قدرت نرم توانایی کسب مطلوب هدف از راه جاذبه و نه از راه تطمیع یا اجبار است (عیوضی و پارسا، ۱۳۹۳: ۱۱۰-۱۱۱).

## ۲-۳- عملیات روانی

عملیات روانی عملیاتی طراحی شده برای انتقال قدرت و شاخص‌های انتخاب شده به مخاطبان هدف، به‌منظور تأثیرگذاری بر احساسات، انگیزه‌ها، استدلال بی‌طرفانه و درنهایت، رفتار حکومت‌ها، سازمان‌ها و افراد خارجی است؛ به‌عبارت‌دیگر عملیات روانی استفاده دقیق از تبلیغات و سایر امکانات به‌منظور تأثیرگذاری بر افکار، تمایلات و رفتار گروه‌های دوست، دشمن و بی‌طرف، برای دستیابی به اهداف است (ابراهیمی، ۱۳۸۷: ۱۹).

هر گروهی و هر نظامی با توجه به شرایط و اهداف خود تکنیک‌های خاصی به کار می‌گیرد. «در عملیات روانی روش‌ها و تکنیک‌های متنوع و مؤثری وجود دارد که کاربران عملیات روانی با به‌کارگیری به‌موقع و مناسب یکی از این روش‌ها و یا ترکیبی از آنها، براساس حالات ذهنی و روانی مخاطبان قادرند افکار، اعتقادات، احساسات، تمایلات و رفتار مخاطبان را در جهت دلخواه تحت تأثیر قرار دهند.» (جنیدی، ۱۳۹۱: ۷۱). به‌طور کلی عملیات روانی به‌وسیله چند مکانیسم انجام می‌گیرد: ۱- مردم‌انگیزی؛ ۲- عوام‌فریبی؛ ۳- بجران‌سازی؛ ۴- شایعه‌پراکنی (رفیع و قربی، ۱۳۹۰: ۱۵۷).

هدف در جنگ روانی تأثیرگذاری بر دشمن، نیروهای بی‌طرف و تضعیف روحیه و عمدتاً تخریب وجهه دشمن به‌جای تلاش برای مثبت نشان‌دادن وجهه خود که در قدرت نرم مورد تأکید قرار دارد، دانسته می‌شود و در این پژوهش به بررسی شیوه بهره‌گیری داعش از آن پرداخته می‌شود. فرض محوری تحقیق حاضر این است که داعش با استفاده از عملیات روانی، به قدرت نرم متوسل شده تا اهداف خود را دنبال کند.

### ۳- روش تحقیق

جهت نیل به هدف اصلی پژوهش در ابتدا با استفاده از منابع اسناد کتابخانه‌ای، ابزارها و استراتژی‌های رسانه‌ای داعش بررسی و مشخص شد. در وهله دوم متون رسانه‌ای و بیانیه‌های رسمی دربردارنده سیاست‌ها و اهداف کلی گروه داعش گردآوری شد. پس از دسته‌بندی و بازخوانی این منابع مشخص گردید که نشریه دابق از غنای محتوایی بالایی برخوردار است، با استفاده از نمونه‌گیری نظری متون و گزاره‌هایی به‌عنوان نمونه انتخاب و با استفاده از روش تحلیل کیفی تحلیل تماتیک، مضامین و مؤلفه‌های اصلی شناسایی شد.



تحلیل تماتیک عبارت است از تحلیل مبتنی بر استقرای تحلیلی که در آن محقق از طریق طبقه‌بندی داده‌ها و الگویابی درون‌داده‌ای و برون‌داده‌ای به یک سنخ‌شناسی تحلیلی دست می‌یابد. در تعریفی دیگر، تحلیل تماتیک عبارت است از عمل کدگذاری و تحلیل داده‌ها با این هدف که داده‌ها چه می‌گویند. این نوع تحلیل در وهله اول به دنبال الگویابی در داده‌هاست. زمانی که الگویی از داده‌ها به دست آمد، باید حمایت تمی یا موضوعی از آن صورت بگیرد. به عبارتی تم‌ها از داده‌ها نشأت می‌گیرند (محمدپور، ۱۳۸۸: ۱۳۶). طرح تحلیلی تماتیک در ۵ مرحله توسط محمدپور (۱۳۸۸: ۱۳۸-۱۳۷) به صورت زیر شرح داده است:

**۱- مدیریت داده‌ها:** این مرحله به سازمان‌دهی داده‌ها اختصاص دارد و شامل جداسازی انواع داده‌های موجود، قراردادن داده‌ها در یک نظم زمانی، سازمان‌دهی براساس عنوان، نوع داده یا نوع سند و تهیه فهرست می‌باشد.

**۲- درگیری با داده‌ها:** در این مرحله محقق تلاش می‌کند مقدمات تحلیل و سنخ‌شناسی داده‌ها را با انجام یکسری مراحل کدگذاری فراهم کند. در این مرحله باید به موارد زیر توجه داشت:

◀ **کدگذاری باز:** این مرحله نخستین و مهم‌ترین مرحله درگیری و درک‌هاست. یکی از مهم‌ترین استراتژی‌های کدبندی باز، توجه به شرح‌واره‌هاست. شرح‌واژه‌ها در همه مراحل تحلیل از کدبندی باز تا متمرکز به محقق کمک می‌کند تا اندیشه‌ها و تصمیم‌ها را در زمینه تحلیل نهایی شکل دهد.

◀ **توسعه تم‌ها:** تم‌ها مجموعه‌ای از کدهای تکراری هستند که در خلال کدبندی باز ظهور می‌یابند.

◀ **کدبندی متمرکز:** این نوع کدبندی مستلزم حرکت سطر به سطر است؛ اما این بار

محقق بر تم‌هایی متمرکز می‌شود که در کدبندی باز آن‌ها را یافته است.

۳- **ترسیم داده‌ها:** در این مرحله، مقوله‌ها، تم‌ها و الگوهای یافته شده در قالب نقشه‌های

داده‌ای و دیاگرام‌های مفهومی به تصویر کشیده می‌شوند.

۴- **توسعه تحلیل:** در این مرحله، تحلیل‌های مبتنی بر مقوله‌ها و تم‌ها آغاز شده و توسعه

می‌یابند. این مرحله خود شامل دو زیر مرحله است:

◀ **الگویابی:** در اینجا محقق به دنبال الگوهایی است که از داده‌ها ظهور می‌کنند.

◀ **مقایسه‌ی موارد و بازخورد جهت پالایش یا تغییر مقوله‌های نوظهور:** زمانی که یکسری

الگوها ظهور یافتند، باید موارد را با یکدیگر مقایسه نمود.

۵- **سنخ‌شناسی:** این مرحله آخرین گام تحلیل است. در اینجا، محقق الگوها را

دسته‌بندی کرده و برحسب تفاوت‌ها و شباهت‌ها آن‌ها را سنخ‌بندی می‌کند.

علاوه بر این مراحل، از مرحله دیگری تحت عنوان «اشباع تماتیک»<sup>۱</sup> (همگرایی

مفهومی) به عنوان آخرین مرحله نام‌برده می‌شود. به این معنی که در نهایت تحلیل تماتیک

باید به اشباع برسد. اشباع عبارت است از همگرایی مفهومی؛ محقق باید بررسی کند که آیا

کدها، تم‌ها، الگوها و سنخ‌شناسی‌ها تا حد امکان از نظر مفهومی اشباع‌شده‌اند یا خلأ

مفهومی وجود دارد (محمدپور، ۱۳۸۸: ۱۴۰).

برای تشریح فرایند کاربست روش شناسی به طور عملی باید به این نکته اشاره کرد که

کدگذاری و سنخ‌شناسی متون رسانه‌ای با در نظر گرفتن یک مفهوم یا ایده کلی آغاز می‌شود

که در این پژوهش، همان مفهوم قدرت در نظام بازنمایی داعش است. برای بررسی شیوه

<sup>۱</sup> Thematic Saturation

بازنمایی باید محصولات رسانه‌ای داعش بررسی و بستری انتخاب شود که در آن به طور واضح تمامی جنبه‌های ایده اصلی تحقیق پرداخته شده است. پس از بررسی محصولات رسانه‌ای به این نتیجه رسیده که در مجله دابق ایده قدرت داعش به خوبی بازنمایی شده است؛ لذا این مجله به عنوان مبنای اصلی بسط مفهوم قدرت داعش قرار داده شد.

روند اصلی برخورد با متون به این گونه بود که در ابتدا تمامی مجلات بازخوانی شد تا محورهای موضوعی مطرح شده در مجله بازمایی شود. در مرحله دوم برای کدگذاری اولیه متون و انتخاب عبارات مرتبط، از دسته‌بندی کلی قدرت بیان شده در ادبیات نظری استفاده شد؛ در نهایت تقسیم بندی به این صورت شد که قدرت سخت شامل قدرت نظامی، امنیتی، توان اقتصادی، منابع ملی، جمعیت و...؛ به تعبیر نای (۱۳۸۹: ۵۱) قدرت نرم از سه منبع ایجاد می‌شود: ۱- فرهنگ، موارد فرهنگی جذاب یک ملت برای دیگران؛ ۲- ارزش‌های سیاسی، ۳- سیاست خارجی و بین‌المللی. به علاوه اینکه عناصر اساسی قدرت نرم شامل: روان‌شناختی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، علمی در نظر گرفته می‌شود (الیاسی، ۱۳۸۹: ۳). لذا در کدگذاری اولیه تقسیم‌بندی مذکور در نظر گرفته شد و با استفاده از منطق نمونه‌گیری نظری، قطعه‌هایی از متون انتخاب شد که در ارتباط با مفاهیم مذکور از قدرت قرار دارند. البته باید به این نکته اشاره کرد که تقسیم‌بندی و تعاریف یاد شده در بالا ممکن است عیناً در متون مورد بررسی یافت نشود ولی می‌توانند به عنوان سرمشق و راهنمای اولیه در یافتن مضامین اصلی در نظر گرفته شوند. این مسئله از آن روست که اصولاً تحقیق کیفی می‌تواند به قدری انعطاف‌پذیر باشد که به شیوه‌ای برساختی مفاهیم جدیدی که در یک نام معنایی تولید می‌شوند را کشف و بسط دهد. لذا در اینجا نیز ممکن است معنایی مد نظر داعش با تعاریف رایج از قدرت متفاوت باشد.

## ۴- تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش

الحیات<sup>۱</sup> از مهم‌ترین مراکز رسانه‌ای داعش است که وظیفه انتشار رسانه‌های مکتوب و تولید نشریاتی چون «دابق»<sup>۲</sup>، «رومیه»<sup>۳</sup> و «دارالاسلام»<sup>۴</sup> را بر عهده دارد (Gambhir, 2016: 22). رسالت این مرکز از زبان دابق «انتقال پیام دولت اسلامی به زبان‌های مختلف برای اتحاد ملت زیر پرچم» است (Dabiq, issue 1: 4). دابق، قوی‌ترین و در واقع بحران‌سازترین رسانه‌ی داعش بود و به‌عنوان نشریه‌ی استراتژیک، بسیار حرفه‌ای و تخصصی و با بهره‌گیری از الگویی خاص افکار عمومی را در پذیرش خلافت اسلامی، در زمان انتشار مدیریت کرده است (Gambhir, 2014). این مجله، تفسیرگر بنیان‌های دینی و عملی تشکیل داعش بوده و با مطالعه آن می‌توان به چرایی تشکیل دولت اسلامی و ضرورت‌های آن، از نگاه بنیان‌گذاران گروه مانند زرقاوی پی برد.

### ۱-۴- قدرت معنوی و متقاعدسازی: اسطوره آخرالزمانی

نام نشریه دابق به‌عنوان ارگان رسمی داعش، برگرفته از نام منطقه‌ای در شمال حلب در سوریه با همین نام است. این منطقه در اوت ۲۰۱۴ به تصرف داعش درآمد و دلیل این سماجت در تصرف دابق، حدیثی از پیامبر اکرم (ص) است که در آن به محل نبرد آخرالزمانی مسلمانان اشاره دارد: «لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَنْزِلَ الرُّومُ بِالْأَعْمَاقِ أَوْ بِدَابِقٍ...» بدین معنا که «قیامت برپا نمی‌شود تا زمانی که رومیان به اعماق یا دابق هجوم می‌آورند...» (صحیح مسلم، ج ۱۴: ۸۵ به نقل از حسینی، ۱۳۹۵) در مجله نیز به این امر اشاره شده که «نام این مجله از منطقه‌ای در شمال حلب برگرفته شده که دابق نام دارد و حلب نیز در شام

<sup>1</sup> Al-Hayat

<sup>2</sup> Dabiq

<sup>3</sup> Rumiya

<sup>4</sup> Dar al-Islam

قرار دارد... یکی از بزرگ‌ترین جنگ‌های مسلمین و مسیحیان در آنجا در خواهد گرفت.» (Dabiq, issue 1: 4) در این منطقه، در آخرالزمان نبردی سرنوشت‌ساز بین سپاه اسلام و روم درمی‌گیرد که با وجود تلفات زیاد به پیروزی «نیروهای الهی» می‌انجامد. هم‌چنان که در صفحه اول جلد اول و دوم این مجله، عبارتی با همین مضمون از ابومصعب زرقاوی مبنی بر این که این جرقه جنگ، امروز در عراق زده شده و تا نابودی ارتش صلیبی در دابق ادامه خواهد داشت. «شعله‌های آتش در عراق برافروخته شده و حرارت آن، بیشتر و بیشتر خواهد شد، انشالله تا زمانی که تمام لشکر صلیبیون را در دابق بسوزاند.» (Dabiq, issue 1: 2)

در نظام بازنمایی داعش، داستان جنگ آخرالزمان، به شیوه خاص نمود پیدا می‌کند؛ عنوان «طوفان»<sup>۱</sup> برای شماره دوم و عبارت روی جلد آن «خلافت اسلامی یا طوفان» به‌طور استعاری به‌گونه‌ای بازمی‌نمایاند که خلافت داعش، همانند کشتی نوح است و تنها بیعت‌کنندگان و افراد همراه (سوارشده بر کشتی خلافت) نجات یافته‌اند و دیگران در این طوفان غرق خواهند شد (Dabiq, issue 2: 5). استفاده از این مضامین آخرالزمانی در توجیه مشروعیت حکومت داعش، می‌باشد. وعده آنها در این عبارت به‌خوبی نمایان است: «به‌زودی روزی خواهد رسید که مؤمنین مانند فاتحان به هر جا که بخواهند می‌روند و افتخار و احترام نصیب آنها خواهد شد، سرشان را بالا می‌گیرند و کرامت آنها حفظ خواهد شد.» (Dabiq, issue 1: 8)

بنابر نظر نای مفهوم قدرت در حال تغییر از قدرت سخت به عناصر معنایی‌تر، مانند توان تولید فرهنگی و قدرت جذابیت در حال حرکت است (حسن بیگی و رئیسی، ۱۳۹۴: ۱۴۲). وی

<sup>1</sup> The Flood

اذعان می‌دارد که «قدرت نرم به مثابه «وجه دوم قدرت»؛ یعنی راه غیر مستقیم به دست آوردن خواسته‌هاست. قدرت نرم به گونه‌ای است که با دارایی‌های ناملموس مثل داشتن جذابیت‌های فرهنگی، شخصیتی و ارزش‌های سیاسی و نهادی، مرتبط و همسو باشد یا این که سیاست‌های قابل قبول و دارای اعتبار معنوی را پدید آورده باشد (نای، ۱۳۸۷: ۴۴).

به عبارتی داعش با استفاده از احادیث و روایات تاریخی، اسطوره دولت اسلامی را ایجاد می‌کند که دارای قدرت جذابیت فرهنگی است و با استعانت از تاریخ‌سازی و حقانیت بخشی به خود و غیریت‌سازی به کفار، زمینه را به گونه‌ای فراهم می‌کند تا پیکارجویان داعش، در قالب سربازان موعود، بازنمایی شود که در احادیث، وظیفه نجات جامعه بشری از بی‌عدالتی و ظلم را دارند. «زمان آن فرارسیده برای نسل‌هایی که سال‌ها در خواب طولانی تاریکی غفلت بوده، غرق در اقیانوس‌های ننگ، از شیر حقارت تغذیه کرده‌اند و تحت سلطه ظالمان بوده‌اند - زمان آن فرارسیده است که پیاخیزند.» (Dabiq, issue 1: 9) «خواب طولانی در تاریک و غفلت، قیام نبرد در سرزمین شامات و شکست سپاه سفیانی» از اتفاقاتی است که برای حضرت مهدی (عج) بیان شده است و این گروه این مسئله را به نفع خود مصادره می‌نماید. در شماره چهارم مجله، صراحتاً ابوحمزه مهاجر و ابوبکر البغدادی، خود را یاران و یاوران مهدی موعود نامیده‌اند (Dabiq, issue 4: 35).

این امر از آن جهت اهمیت دارد که بازنمایی اسطوره خلافت و برساخت جهانی براساس آیین اعتقادی مسلمانان، قوه خیال و توهم افراد را تحریک و آنان را به پیوستن به این گروه برمی‌انگیزد. این موضوع به خصوص در مورد افرادی صادق است که با پیوستن به داعش می‌توانند «از جهان بی‌معنا رهایی یابند و به معنایی مقدس دست یابند». (نظری و پیرانی، ۱۳۹۶: ۹۳) در جهان‌بینی داعش «در جوامع امروزی راه‌حل بحران جهانی بی‌ثباتی و بحران

معنایی، ایمان به الله و وعده الهی [خلافت اسلامی] است.» (7: 3, Dabiq, issue 3) ایجاد جذابیت برای آرمان جهانی داعش در جای‌جای مجله مشهود است؛ مثلاً در تصویری که از برافراشته شدن پرچم خلافت داعش بر فراز کعبه به نمایش درآمده و در پیشگفتار درباره فتح روم و بیت‌المقدس در آخرالزمان به دست داعش چنین نوشته شده است:

«پرچم خلافت بر فراز مکه و مدینه برافراشته خواهد شد، حتی اگر منافقان و مرتدان آن را کوچک بشمارند. پرچم خلافت بر فراز بیت‌المقدس و روم برافراشته خواهد شد، حتی اگر یهودیان و صلیبیان آن را خوار بشمارند. سایه این پرچم پربرکت چنان گسترده خواهد شد که همه غرب و شرق زمین را در برمی‌گیرد و جهان را از حقیقت و عدالت اسلامی آکنده کند و به دروغ و استبداد جاهلیت نوین پایان دهد، حتی اگر آمریکا و ائتلاف تحت مدیریت او از آن متنفر باشند.» (3: 5, Dabiq, issue 5)

## ۲-۴-۱- احیای خلافت اسلامی: زمینه‌ساز هجرت

فلسفه تشکیل خلافت در نظر داعش دو توجیه کلی داشت: یکی احیای خلافت اسلامی از وفات پیامبر و دیگری احیای خلافت عثمانی که طی توافق‌نامه سایکس-پیکو<sup>۱</sup> به کشورهای کوچک‌تر خاورمیانه تجزیه شد. چرا که دستگاه خلافت، هویت صدها میلیون مسلمان سنی مذهب بود که پس از جنگ اول جهانی منحل شد (نصری، ۱۳۹۴: بخش اول). به عبارتی امپراتوری عثمانی به‌عنوان بزرگ‌ترین قدرت اسلامی، به دلیل داشتن مشروعیت قدسی و الهی، شکست‌ناپذیر تلقی می‌شد، ولی درنهایت به دست غربی‌ها پی‌درپی متحمل شکست‌ها و احساس حقارت‌آمیز شد (خدوری، ۱۳۶۹: ۲۱). درواقع با احیای خلافت اسلامی، مسلمین در سراسر دنیا می‌توانند به «دولت الاسلامیه» هجرت کرده و از یوغ کفر و

<sup>1</sup> Sykes-Picot Agreement

طاغوت رهایی یابند. تأثیر احیای خلافت در سرزمین شام بر روحیه مجاهدین در بنگال و دیگر نقاط جهان این گونه توصیف شده است:

«به لطف خداوند، خلافت در اول رمضان ۱۴۳۶ در سرزمین شام احیا شد. طلوع خورشید خلافت و پوشش رسانه‌ای تأثیرگذار آن نور امید را در قلب مجاهدین جوان در بنگال تابید؛ همان‌طور که امید را در دل دیگر مجاهدین در سراسر جهان زنده کرد.» (Dabiq, issue 12: 39)

به تعبیری که در سرتاسر مجله عنوان می‌شود احیای خلافت اسلام موجب سعادت و کرامت جامعه مسلمین است؛ چرا که با برپایی آن مسلمانان به جایگاه واقعی خود در جهان می‌رسد؛ جایگاهی که در جامعه معاصر نادیده گرفته شده است. از این رو یکی از اصلی‌ترین مضامین گفتمان تبلیغاتی داعش، مفهوم «هجرت» است که داعش با اعلام خلافت، از تمامی مسلمین سراسر دنیا دعوت می‌کند تا با هجرت به دولت الاسلامیه پیوندند. «بنابراین، هر فرد متخصص و تحصیل کرده مسلمان که تا پیش از این، وظیفه جهاد خود را به بهانه تحصیل شریعت، پزشکی، یا مهندسی و خدمت به اسلام به واسطه تخصصش، به تأخیر انداخته است، بایستی که اولویت خود را لیک به هجرت قرار دهد؛ به خصوص اینکه اکنون دستگاه خلافت نیز احیا شده است.» (Dabiq, issue 3: 26) در حقیقت، داعش از این طریق سعی دارد نیروهای جوان و تحصیل کرده مسلمان را که مشغول تحصیل و زندگی در کشورهای غربی و غیرغربی هستند، به واسطه ابزارهای تبلیغاتی خود و با ذکر توجیحات دینی به مهاجرت به سرزمین داعش دعوت کند. همان‌طور که در تبلیغات داعش آمده است «سیاست دولت اسلامی، مشخص است: مسلمین در هر



گوشه از جهان را به بیعت با خلیفه دعوت می‌کند و بیعت هیچ گروه یا فرد مسلمان را رد نمی‌کند.» (Dabiq, issue 7: 35)

داعش در این عرصه از عنصر روان‌شناختی قدرت نرم بهره می‌برد؛ در این بخش اذعان می‌شود که منظور توانایی و مهارت عاملان و متولیان قدرت نرم در بهره‌گیری از روش‌های نفوذ اجتماعی، مجاب‌سازی و عملیات روانی برای تأثیر نهادن بر نظرات، افکار و نگرش‌های مخاطبان است. به تعبیری زمانی می‌توان یک کشور، یا گروه را واجد قدرت نرم دانست که آن کشور یا گروه بتوانند با بهره‌گیری از اصول و فنون نفوذ اجتماعی، استفاده از تکنیک‌های عملیات روانی و به‌کارگیری روش‌های مجاب‌سازی، بتوانند ایده‌های خود را محقق و دیگران و مخاطبان را متقاعد سازد (الیاسی، ۱۳۸۹: ۳). در اینجا داعش نیز از این وجه اعمال قدرت برای اعلام خلافت اسلامی استفاده می‌کند و مکانسیم اثر آن به این صورت است که با اثرگذاری روانی قصد دارد تا بتواند پیروانی از طریق دعوت به هجرت را جذب کند.

«ملی‌گرایی، میهن‌پرستی، قبیله‌گرایی و انقلاب‌گرایی هیچ‌گاه نیروی محرک درون قلب مجاهد موحد نبودند و بیرق‌های ملی زیر پاهای خاکی وی قرار دارند، چراکه مخالف توحید و شریعت و نماینده ایدئولوژی‌های کفری و شرکی سایکس-پیکو هستند. رد ملی‌گرایی در میان بهترین اعمالی است که موحد انجام می‌دهد و تا زمان برائت از ملی‌گرایی، اسلام وی درست نیست.» (Dabiq, issue 8: 4)

داعش با مشروعیت‌زدایی از ایده ملی‌گرایی، میهن‌پرستی، قبیله‌گرایی و انقلاب‌گرایی که در حکومت‌های امروزی منطقه اهمیت یافته قصد دارد به مشروعیت‌بخشی به خلافت، گونه‌ای قدرت را اعمال کند که ایمان فرد در گرو نفی این گونه حکومت‌هاست. درجایی

دیگر نیز به دلایل نفی ملی‌گرایی (ملت) و در مقابل تقدیس امت اسلامی، از زبان ابوعمر البغدادی<sup>۱</sup> این‌گونه استدلال می‌شود:

«ایده ملی‌گرایی و میهن‌پرستی با اصول دین تناقض دارد: (۱) برتری دادن برخی نسبت به سایرین، مطابق با تقواست و نه نژاد، (۲) عقیده ولاء و براء را از ریشه می‌کند که مسیحی عراقی عرب، برادر آنها و از کلیه حقوق برخوردار است، درحالی‌که مسلمان هندی یا ترک فاقد حقوق است، همانا شریعتشان، برتری دادن عقبه بن ابومعیط و ابوجهل بر بلال حبشی و سلمان فارسی را ایجاب می‌کند، (۳) خلاف پیوند با مؤمنین است و (۴) مبتنی بر دعوت به جاهلیت و حزیت است.» (Dabiq, issue 8: 8-9)

به نظر می‌رسد داعش با طرح خلافت و امت‌محوری در برابر ملت‌گرایی و دولت‌محوری ایده‌ای را مطرح می‌کند که به نوعی جبر عقیدتی برای افراد متمایل به این گروه منجر می‌شود و به‌گونه‌ای آنها را ترغیب می‌کنند تا برای خلافت نوعی مشروعیت قائل شوند که در آن اطاعت از اوامر آن از اوجب واجبات می‌شود.

### ۳-۴- جهاد و عملیات تروریستی

ارائه ایدئولوژی جذاب نیز یکی از راه‌های اعمال قدرت نرم است؛ نای (Nye, 2011) معتقد است وقتی در حوزه فرهنگی، ارزش‌های جهان‌شمول و هنجارهای مقبولی ارائه گردد، احتمال کسب نتایج مطلوب‌تر در سطح جهانی بیشتر است. البته این به نوع استفاده و عرضه ارزش‌های مشترک است تا طرفداران بیشتری پیدا کنند. از این‌رو در اینجا تأکید بر ارزش‌ها و فرهنگ ملی و محلی نمی‌تواند اثرگذاری مطلوب را داشته باشد و بهتر است از ارزش‌های مورد قبول در ابعاد وسیع‌تر استفاده شود. در ساختار و سیاست کلی داعش نیز از

<sup>۱</sup> امیر دولت اسلامی عراق، رهبر شورای مجاهدین عراق.

این ارزش‌های کلی و اسلامی مورد قبول مسلمانان به خوبی استفاده شد؛ در این میان ارزش‌هایی مانند حکومت دینی، شهادت‌طلبی، جهاد فی سبیل‌الله و... بیش از همه ترس و وحشت جهانی را برانگیخت. در این رابطه چاک هیگل<sup>۱</sup> اذعان می‌دارد که «ایدئولوژی تسلط دین حق بر همه ادیان و رسانه‌های اجتماعی را درمی‌آمیزد که تهدید جدید به میزان باورنکردنی قدرتمند می‌گردد.» (Dabiq, issue 6: 57) این تهدید از آن جهت اهمیت یافت که داعش توانست با کمک احیا و بازخوانی ارزش‌های مقبول همگانی مسلمانان، طیف وسیعی از مسلمانان سراسر جهان را با خود همراه کند و به گونه‌ای وانمود کند این ارزش‌ها در میان آنها درونی و محقق شده‌اند. پاتریک کاکبرون<sup>۲</sup>: «ایدئولوژی آن حول شهادت بناشده و میزان بالای تلفات در میان رهبران نشانگر این است که ایشان در خط مقدم می‌جنگند خطرناک‌تر است. هر بمبی که در سوریه با عراق ریخته شد، به‌عنوان یک ابزار جذب نیرو برای دولت اسلامی عمل می‌کند.» (Dabiq, issue 7: 53)

آنچه داعش به جوانان اروپایی پیشنهاد می‌کند و توانایی ارائه آن را دارد «فرصت‌بخشی از یک ایدئولوژی است که بتواند به زندگی فرد معنا دهد. «احساس مفیدبودن» و «حس تعلق برای مأموریتی بزرگ و مقدس» که آنان را به ساختن «چیزی» دعوت می‌کند. جست‌وجو برای یافتن هویتی جدید و حس تعلق و هدفمندی از عواملی هستند که هزاران جوان را به سوی داعش سوق می‌دهد (Esposito, 2014: 5). در واقع افراد از این طریق وادار به پیوستن به داعش می‌شوند. آن‌ها می‌خواهند برای زندگی‌شان یک چیز پُر معنی پیدا کنند (Schmidt, 2014: 3)؛ و این آغاز یک نوستالژی است. خلافت، نوستالژی جهان

<sup>1</sup> Chuck Hagel

<sup>2</sup> Patrick Cockburn

اسلام غیرشیعی است. به عبارتی، خلافت پل عبور از زمان و نیل به آرمان‌های سرکوب‌شده است (موجانی، ۱۳۹۴: ۸۴).

نهایتاً داعش با استفاده از پیشرفته‌ترین تکنولوژی‌های مدرن به گروهی مخوف بدل شد. آنها طی حملات پاریس نشان دادند که بیش از هر گروه جهادی دیگر می‌توانند «تروریسم شهری» و «نبرد پارتیزانی» را به صورت راهبردی و یکپارچه در هم بیامیزند و فضای رعب و وحشت را در جهان به وجود آورند. تا آنجا که رهبران جهانی از آن وحشت داشتند که در صورت سرکوب داعش در سوریه و عراق، به احتمال زیاد با حمله به جمعیت‌های غیرنظامی را در شهرهای جهان روبرو خواهند شد. هرچند داعش با انتشار جنایات خود با استفاده استراتژیک و ماهرانه از رسانه‌های الکترونیکی، با سرمشق از تکنیک‌های ارائه‌شده توسط ابوبکر ناجی (۲۰۰۴) در کتاب «إدارة التوحش: أخطر مرحلة ستمر بها الأمة»<sup>۱</sup>، عملیات خود را به صورت راهبردی کاملاً برنامه‌ریزی‌شده را اجرا می‌کنند (گری، ۱۳۹۵).

#### ۴-۴- قدرت تنبیهی و مجازات

یکی از تکنیک‌های رسانه‌ای داعش در نشان دادن قدرت خود در سطح سرزمین‌های دولت اسلامی، مخابره تصاویر و ویدئوهای گسترده از شیوه‌های مجازات کردن «کافران» و «گناهکاران» است؛ مثلاً در پوشش تصویری اجرای حد یک لواط کار از طریق پرت کردن از بالای یک ساختمان (به تأسی از سنت ابوبکر الصدیق) و سنگسار زنی به دلیل گناه زنا و اجرای حکم شلاق برای مردی که لوازم مستهجن حمل می‌کرد ( Dabiq, issue 7: )

<sup>۱</sup> ترجمه فارسی: ۱- «مدیریت توحش» (۱۳۹۵)، ترجمه سوده منصوری و لادن احمدیان هروی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات؛ ۲- «مدیریت توحش: مانیفست داعش» (۱۳۹۶)، ترجمه آزاده گریوانی، تهران: نشر نقد فرهنگ.

Dabiq, issue 2: «بدر»): (42-43)؛ اعدام یک عضو و یک فرمانده شبه‌نظامیان رافضی (بدر) (34). این‌ها نمونه‌هایی از شیوه‌های مجازاتی است که آنها در بازخوانی سنت پیش گرفته‌اند. دولت اسلامی از طریق بازنمایی، اخبار گوناگونی حتی در رابطه با «کشف و مجازات گروه قاچاق مواد مخدر» (Dabiq, issue 2: 34) نشان داد با حفظ اقتدار در راستای حفظ وجدان جمعی قدم برمی‌دارد. لذا همچنان که در گزاره زیر نیز مشهود است، دولت اسلامی وظیفه اولیه خود می‌داند که با مرتدین و مخالفین برخورد کند، چرا که «هر جا نیروی راهبر ایجاد می‌شود، کارویژه اولیه و اصلی آن ایجاد احترام به اعتقادات، آداب و رسوم و رویه‌های جمعی؛ یعنی دفاع از وجدان جمعی در قبال همه دشمنی‌ها در داخل و یا خارج آن است.» (بریث‌ناچ، ۱۳۸۷: ۲۹۹)

«زرقاوی: دو اردوگاه حق و پیروان آن و باطل و دسته‌های آن وجود دارد. مشارکت و همکاری با صلیبیون و عوامل مرتد آنها، وابستگی یا ارتباط با گارد، پلیس و ارتش بی‌دین یا جاسوسی برای صلیبیون، خیانت است که در مخالفت گروهی با اجرای شریعت پس از تسلیم در برابر آن صورت گرفت و اعدام، تخریب و سوزاندن خانه پس از اخراج زنان و کودکان، جزای خیانت به دین و امت است و خائن را یک درس آشکار و یک نمونه بازدارنده می‌سازد.» (Dabiq, issue 3: 12)

میشل فوکو در کتاب «مراقبت و تنبیه: تولد زندان» (۱۳۷۸) در زمینه رابطه قدرت و مجازات، تحلیلی جامع انجام داده است. فوکو در این کتاب با اشاره به مجازات سوء قصدکننده به جان بویی پانزدهم (فوکو، ۱۳۷۸: ۱۴-۱۱) به این نکته اشاره دارد که ماهیت مجازات در قرون وسطی نمایش شکنجه طولانی مجرمان در ملأعام بوده است و اصرار بر شکنجه و اعدام در ملأعام به این خاطر بوده تا حکومت بتواند از طریق خشونت

عریان، اقتدار از دست‌رفته خود را بازیابی کند. این امر در رابطه با داعش نیز صادق است چون تمامی رسانه‌های آنها مملو از تصاویر شکنجه و اعدام به روش‌های قرون‌وسطایی است که مجله دابق نیز از این حکم مستثنی نیست؛ به طور مثال در رابطه با فیلمی که از لحظه به آتش کشیدن خلبان اردنی<sup>۱</sup>، به صورت زنده و در قفس، مجله دابق همین گونه این عمل را توجیه می‌کند.

«از این رو، دولت اسلامی، نه تنها از رسول خدا (ص) در بی‌رحمی‌اش نسبت به کفار، بلکه از صحابه راستینش برای ترساندن مرتدین از طریق آئینه عبرت کردن آنها و معجزات تلافی‌جویانه با آتش پیروی می‌کند.» (Dabiq, issue 7: 8)

#### ۵-۴- قدرت اقتصادی

در هر نظامی دسترسی بیشتر به منابع اقتصادی موجب افزایش قدرت سخت می‌شود. در اینجا برخی از منابع اقتصادی می‌تواند شامل پول، ملک، حیثیت، دانش، تخصص و نیروی انسانی متخصص باشد (سعادت، ۱۳۸۵: ۱۶۷). اگرچه منابع مالی داعش در مرحله شکل‌گیری از حمایت‌های مالی خارجی و غارت اموال عمومی حاصل و سپس در مرحله ثبات شامل جزیه (مالیات شرعی)، گروگان‌گیری و اخاذی و فروش نفت بوده است (Allam, 2014). در رابطه با درآمد نفتی دابق از نتانیاهو نقل می‌کند که «داعش ... دو میلیون دلار نفتی در روز درآمد دارد و تسلیحات خود را از ارتش عراق و غیره خریداری می‌کند.» (Dabiq, issue 6: 56) صدور نفت از میادین نفتی تحت تصرف داعش ده‌ها میلیون دلار درآمد برای این گروه دارد. یک مقام رسمی خزانه‌داری آمریکا تخمین زد که

<sup>۱</sup> معاذ کساسبه؛ ویدئوی منتشره توسط موسسه الفرقان با عنوان «شفاء الصدور».

داعش روزانه یک میلیون دلار آمریکا از صدور نفت به دست می‌آورد. بیشتر این نفت به صورت غیرقانونی در ترکیه فروخته می‌شد (زاهدی و پورقره‌خان، ۱۳۹۵: ۸۶).

مؤسسه رند<sup>۱</sup> (۲۰۱۴) در تحقیقی نشان داد که از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰، کمک‌های خارجی فقط ۵٪ از بودجه گروه داعش را تشکیل می‌داده و مابقی آن مربوط در آمد داخلی بوده است. به این صورت که دولت اسلامی از گروه‌های کوچک می‌خواسته تا ۲۰٪ از درآمد ناشی از آدم‌ربایی، اخاذی و فعالیت‌های دیگر را به سطح بعدی رهبری گروه پردازند. سپس فرماندهان رده بالا می‌بایست مجدداً سرمایه را هنگام مشکلات با نیاز مالی اجرای حملات سلول‌های استانی یا محلی بین آنان توزیع نمایند (زاهدی و پورقره‌خان، ۱۳۹۵: ۸۶). مبنای ایدئولوژیک این شیوه درآمدزایی در این عبارت به وضوح گفته شده است:

«اگر گفته شود بهترین و مشروع‌ترین درآمد کدام است؟ همان که روزی رسول خدا (ص) از آن آمد یعنی غنیمت برای به دست آوردگان آنکه براساس شریعت برایشان جایز گردید و در قرآن بیش از هر جای دیگر مورد ستایش واقع شد و اهل آن نیز به طریقی مورد ستایش قرار گرفتند که هیچ فردی بدین گونه مورد ستایش قرار نگرفت.» (Dabiq, issue 3: 29)

یکی دیگر از وجهه‌های قدرت اقتصادی مربوط به طلاهایی است که برای ضرب سکه استفاده می‌شدند. آنها تغییر ایجاد پول رایج و ضرب سکه را به صراحت نوعی قدرت‌نمایی بازتاب می‌دهند «قدرت دولت اسلامی، در یک اقدام برای بیرون کشیدن ملت از نظام مالی جهانی فاسد مبتنی بر ربا، ضرب پول رایج براساس ارزش واقعی طلا، نقره و مس را اعلام نمود که ابتکار امیرالمؤمنین خلیفه ابراهیم بن عواد القریشی بود که دیوان بیت‌المال را به

<sup>۱</sup> RAND Corporation

مطالعه و ارائه پیشنهادی جامع برای اجرای این امر موظف کرد که به تأیید مجلس شورا نیز رسید. تصاویر بکار رفته نشانگر هدایتی است که مسلمین به واسطه کتاب خدا و سنت رسولش کسب نموده‌اند شامل هفت ساقه گندم نماد برکات صدقه، یک نیزه و یک سپر نماد غنائم مسلمان از جهاد و درختان خرما نماد ایمان عمیق، صبر پایدار و اعمال گرانقدر مسلمان است.» (Dabiq, issue 5: 18)

### ۶-۴- خدمات اجتماعی و رفاهی

اگر دولتی بخواهد نشان دهد که از لحاظ روان‌شناختی، قدرت نرم دارد باید در تبلیغات خود نشان دهد که ملت آن اراده عمومی بالایی دارند، شهروندانش انگیزه و اشتیاق، اقشار مختلف جامعه از روحیه ملی و حماسی زیادی برخوردارند، توده‌های آن پرنشاط و شاداب‌اند، اغلب شهروندانش خودباوری بالایی دارند و می‌تواند دیگران را در برابر خواسته‌هایش تسلیم نماید (الیاسی، ۱۳۸۹: ۴). داعش نیز از این شیوه بازنمایی استفاده کرده و نشان داده که سربازان و امتی مشتاق جهاد دارد که در مسئولیت‌های اجتماعی نیز نقش مهمی ایفا می‌کنند. «سربازان دولت اسلامی که برای انجام سوگند خود در قبال خدا به سرزمین‌های جهاد آمدند، مشتاق شرکت در نبرد علیه کفر و طالب شهادت هستند؛ آن‌ها دریافتند که دولت، بدون این امر که بخشی از سربازان مخلص خدا مراقب و مواظب هر دو امور دینی و دنیوی مسلمین باشند، تأسیس و حفظ نمی‌شود، پس پست‌های اداری گرفتند و به تأسیس، حفظ و حمایت از مؤسسات متعدد پرداخته‌اند که مسلمین در زندگی روزانه به آنها تکیه می‌کنند و خدمات دولت اسلامی همچنان در حال گسترش است: درمان سرطان کودکان، پاک‌سازی خیابان، تعمیر خطوط برق، دایر کردن خانه سالمندان.» (Dabiq, issue 4: 27-28)



## ۷-۴- قدرت نظامی و امنیتی

در دابق به گونه‌های مختلفی قدرت نظامی داعش بازنمایی شده است؛ از جمله در گزارش‌های خبری مربوط به عملیات نظامی موفق داعش در منطقه که به صراحت از برتری نظامی خود سخن می‌گویند «باوجود حملات هوایی و تجربه جنگ طولانی فرضی چریک‌های پ.ک.ک در ترکیه، دولت اسلامی، پ.ک.ک را به حول و قوه الهی از اغلب پایگاه‌های خود بیرون رانده است.» (Dabiq, issue 4: 25) در این گزاره با تحقیر و بزرگ‌نمایی شکست دشمن به ورزیدگی نیروهای خودی اشاره می‌کند. از طرفی در نشان‌دادن پیروزی نیروهای خودی و بازنمایی یگان‌های پشتیبانی نیروها و ادوات جنگی است. «عملیات نفوذ انغماسی‌ها (پیکارجویان با جلیقه انتحاری) به صفوف دشمن با حمایت گروه خمپاره اندازه تانک، تانک بی ام پی، تفنگ ۲۳ میلی متری و تعدادی دوشکا و کشتن تعداد زیاد حدود ۲۰ نفر و به غنیمت گرفتن تسلیحات بسیار، ولی ما یک شهید و تعدادی مجروح با جراحت خفیف داشتیم به همراه عملیات استشهدی توسط سلول‌های زیرزمینی دولت اسلامی که همگی به کشته شدن تعداد زیادی از سربازان مرتد انجامید.» (Dabiq, issue 2: 23)

در ادبیات داعش حفظ امنیت و اقدامات تأمینی نیز اهمیت دارد که می‌تواند به صورت عملیات شناسایی هسته‌های مخالف باشد؛ «یک هسته خوارج پنهان شده در سرزمین دولت اسلامی کشف شد که به دنبال جذب نیرو از طریق گمراهی بود.» (Dabiq, issue 6: 31) یا اینکه مصاحبه با جاسوسانی که دستگیر می‌شوند و طی مصاحبه معمولاً به قدرت امنیتی داعش اعتراف می‌شود؛ به این صورت که «چه پیامی برای دیگر جاسوسان فرستاده شده توسط کفار داری؟؛ وی گفت: فکر نکنید خیلی باهوش هستید و می‌توانید دولت اسلامی را

فریب دهید. هرگز موفق نخواهید شد و شما را در نهایت دستگیر و حد را در موردتان اجرا می‌کنند. دست از کمک به یهودیان و مرتدین بردارید.» (Dabiq, issue 7: 28) راه دیگر مصاحبه و از طریق آن، بازنمایی سطح حفاظت از نیروهای خودی که از عملیات تروریستی از سایر کشورها برگشته‌اند. بازگشت آنها به گونه‌ای بازنمایی می‌شود که نشان داده شود که آنها در حمایت از نیروهای جهادی، اقدامات لازم را انجام می‌دهند؛ به‌عنوان مثال دابق با ابو عمر البلیثیکی پس از ورودش به شام مصاحبه می‌کند و تأکید می‌کند که وی به‌خاطر جهاد در بلژیک تحت تعقیب سازمان‌های اطلاعاتی غربی است (Dabiq, issue 7: 72).

### نتیجه‌گیری

مقاله حاضر در پی پاسخگویی به این سؤال بود که در رسانه‌های داعش، قدرت چگونه بازنمایی شده است. در این راستا با در نظر گرفتن تعاریف و مقولات مربوط به قدرت سخت و نرم به بازخوانی مجله دابق پرداخته شد و با لحاظ این مقولات سعی شد تا شیوه بازنمایی نهاد رسانه‌ای داعش را از مفهوم و مقولات قدرت با استفاده از تحلیل مضمون بررسی شود؛ چراکه فرض محوری این است که هر دولت و سازمانی در خلال عمل بازنمایی، در پی آن است که با استفاده از قدرت مقبولیت و مشروعیت کسب می‌کند.

بررسی تمامی شماره‌های مجله دابق نشان می‌دهد که داعش با اعلام خلافت اسلامی، قصد داشت که با استفاده از احادیث و روایات تاریخی، اسطوره دولت اسلامی را ایجاد کند که از نظر تاریخ‌سازی و حقانیت بخشی به خود و غیریت‌سازی به کفار دارای جذابیت فرهنگی باشد تا بتواند خود را در قالب سربازان موعود آخرالزمانی بازنمایی کند. این روش از آن‌رو حائز اهمیت است که با تحریک فرد، قدرتی نامرئی ایجاد می‌گردد که موجب

جذب وی در این سازمان شود. به عبارتی فرد احساس می‌کند که فرصتی فراهم شده تا برساخت هویتی جدید، خود را از بی‌هدفی و حقارت جامعه مبدأ رها کرده و در این سازمان، به عزت و سربلندی برسد.

وجه دیگر احیای خلافت اسلامی این است که پی از آن تمامی مسلمین از طریق «بیعت» و «هجرت» می‌توانند خود را به کشتی نجات برسانند و از یوغ کفر و طاغوت رهایی یابند. در خلافت، رفتارهای شرک‌آمیز به چشم نخواهد خورد و خلیفه تنها از خداوند اطاعت می‌کند و با کفار و مشرکین در سایه برپایی خلافت مبارزه خواهد شد. داعش با این اعلام و فراخوان جهانی، با ارائه ارزش‌های جهان‌شمول و هنجارهای مقبول مسلمانان، در پی آن بود که نتایج مطلوب‌تر در سطح جهانی به دست آورد و طرفداران بیشتری پیدا کند. از این رو در اینجا تأکید بر ارزش‌ها و فرهنگ ملی و محلی نمی‌تواند اثرگذاری مطلوب را داشته باشد و بهتر است از ارزش‌های موردقبول در ابعاد وسیع‌تر استفاده شود. در ساختار و سیاست کلی داعش نیز از این ارزش‌های کلی و اسلامی موردقبول مسلمانان مانند احیای حکومت دینی، شهادت‌طلبی، جهاد فی سبیل الله و... به‌خوبی استفاده شد؛ در این بین ارزش‌ها بیش از همه ترس و وحشت جهانی را برانگیخت. مکانیسم اثر این نوع اعمال قدرت به صورتی است که با اثرگذاری روانی قصد داشت تا بتواند پیروانی از طریق دعوت به هجرت را جذب کند. هجرت به سرزمین‌های اسلامی از آن رو دارای اهمیت است که در جهان‌بینی داعش از تمامی گونه‌های حکومت مشروعیت‌زدایی می‌شود و حق تشکیل حکومت تنها به عهده خلیفه مشروع است تا از طریق آن بتواند با احیای «امت اسلامی» حکومت اسلامی را در سراسر جهان احیای کند. از طرفی بازخوانی و استفاده از قدرت جهاد و شهادت در سرتاسر جهان، توانست چهره‌ای ترسناک در سرتاسر جهان بازنمایی

کند؛ قدرتی که امکان داشت در همه نقاط جهان به کار گرفته شود؛ زیرا با اعلام خلافت اسلامی و ایراد سخنرانی و اعلامیه‌های پرشور از سوی سران آن‌یک جو بین‌المللی ترور و وحشت به وجود آمد.

در کنار موارد مذکور، باید اشاره کرد که داعش همگام با بازنمایی قدرت نرم، به وضوح از قدرت سخت خود نیز سخن می‌گوید؛ در این میان تأکید آنها بیشتر بر محوریت بازنمایی قدرت نظامی و امنیتی است. در دایق به گونه‌های مختلفی قدرت نظامی داعش بازنمایی شده است؛ از جمله اشارات فراوان به عده بالا و تجهیزات پیشرفته نظامی خود. در برخی گزارش‌های خبری مربوط به عملیات نظامی موفق خود در مناطق تحت کنترل، با تحقیر و بزرگ‌نمایی شکست دشمن و تأکید بر ورزیدگی نیروهای خودی، به صراحت از برتری نظامی خود سخن می‌گوید. در باب قدرت امنیتی نیز بارها به حمایت نظامی و اطلاعاتی از نیروهای خودی در سراسر جهان اشاره شده است. در کنار آن در راستای حفظ امنیت و عملیات ضدجاسوسی به عملیات‌های موفق امنیتی خود اشاره و بارها اعمال انواع مجازات تنبیهی در قبال گناهکاران و کافران را با ارائه جزئیات به تصویر کشیده اند. البته دیگر مؤلفه‌های قدرت سخت مانند توان بالای اقتصادی نیز مورد تأکید قرار گرفته که به خوبی نشان می‌دهد که چگونه از طریق غارت و جمع‌آوری غنائم، جزیه و فروش نفت درآمدهای بالایی کسب کرده و از آن در سازماندهی خلافت و انجام خدمات اجتماعی و رفاهی استفاده کرده‌اند. آنها در تبلیغات خود امتی را بازنمایی می‌کنند که دارای انگیزه و شوق و اشتیاق بسیاری هستند و اقشار مختلف جامعه از جمله کودکان، دارای ایمان و روحیه حماسی بوده و سربازان و امتی مشتاق جهاد دارد که در مسئولیت‌های اجتماعی نیز نقش پررنگی دارند.

## منابع

- (۱) ابراهیمی خوسفی، منصور (۱۳۸۷). جنگ نرم؛ عملیات روانی و فریب استراتژیک، جلد چهارم، تهران: ابرار معاصر.
- (۲) اسولون، ت و هارتلی، ج و ساندرز، ج (۱۳۸۵). مفاهیم کلیدی ارتباطات، ترجمه میرحسین رئیس‌زاده، تهران: فصل نو.
- (۳) الیاسی، محمدحسین (۱۳۸۹). مقدمه‌ای بر ماهیت، ابعاد و مبانی قدرت نرم، تهران: نشر ساقی.
- (۴) پوراحمدی، حسین (۱۳۸۹). قدرت نرم و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، قم: انتشارات بوستان کتاب.
- (۵) جنیدی، رضا (۱۳۹۱). تکنیک‌های عملیات روانی و شیوه‌های مقابله، مشهد: انتشارات به نشر.
- (۶) حسن بیگی، ابراهیم؛ رئیسی دهکردی، اردشیر (۱۳۹۴). «مقوم‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر الهام بخشی»، فصلنامه علمی امنیت ملی، شماره ۱۵.
- (۷) حسینی، مریم (۱۳۹۵). «ادعاهای آخرالزمانی داعش»، خیرنامه دانشجویان ایران، کد خبر: ۲۰۸۹۱۸، منتشره در تاریخ: ۱۳ شهریور ۱۳۹۵، تاریخ بازنشانی: ۲۰ شهریور ۱۳۹۹، لینک بازنشانی: <http://iusnews.ir/fa/print/208918/>
- (۸) خدوری، مجید (۱۳۶۹). گرایش‌های سیاسی در جهان عرب، ترجمه عبدالرحمان عالم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران.
- (۹) رفیع، حسین و قربی، سید محمدجواد (۱۳۹۰). بازخوانی قدرت نرم؛ مطالعه موردی عملیات روانی، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال سوم، شماره ۱۲، صص ۱۷۳-۱۳۹.
- (۱۰) سجادی‌پور، سیدمحمدکاظم و وحیدی، موسی الرضا (۱۳۹۰). دیپلماسی عمومی نوین: چارچوب‌های مفهومی و عملیاتی، فصلنامه سیاست، دوره ۴۱، شماره ۴.
- (۱۱) عراقچی، عباس و جوزانی کهن، شاهین (۱۳۹۶). بهره برداری داعش از فضای مجازی، فصلنامه روابط خارجی، سال نهم، شماره اول.
- (۱۲) عطارزاده، مجتبی (۱۳۹۶). «رسانه، آوردگاه قدرت هوشمند داعش»، نشریه جامعه، فرهنگ و رسانه، سال ششم، شماره ۲۲.
- (۱۳) عیوضی، محمدرحیم؛ پارسا، مونا. (۱۳۹۳). «الگوی تحلیلی قدرت نرم و سیاست بین‌الملل»، دوفصلنامه قدرت نرم، دوره ۳، شماره ۹، صص ۹۹-۱۱۲.
- (۱۴) فوکو، میشل (۱۳۷۸). مراقبت و تنبیه: تولد زندان، ترجمه نیکو سرخوش، تهران: نشر نی.

- ۵۵) گری، جان (۱۳۹۵). «قاعده تاریخ وحشی‌گری است نه رفتار متمدنانه»، وبسایت دبیرخانه کنگره جهانی مقابله با جریان‌های افراطی و تکفیری، منتشره در تاریخ ۲۳ شهریور ۱۳۹۵، تاریخ بازنشانی: ۱ مهر ۱۳۹۹، لینک کوتاه بازنشانی <https://bit.ly/2EJ1Tzt> :
- ۶۶) محمدپور، احمد (۱۳۸۸). «تحلیل داده‌های کیفی؛ رویه‌ها و مدل‌ها»، مجله انسان‌شناسی، شماره ۱۰.
- ۷۷) موجانی، سیدعلی (۱۳۹۴). ریشه‌های تجدید حیات خلافت اسلامی و تأثیر ژئوپلیتیک آن، تهران: اداره نشر وزارت امور خارجه.
- ۸۸) مهدی‌زاده، محمد (۱۳۸۷). رسانه‌ها و بازنمایی، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- ۹۹) نای، جوزف (۱۳۸۲). کاربرد قدرت نرم، ترجمه سید رضا میرطاهر، تهران: نشر قومس.
- ۱۰۰) نای، جوزف (۱۳۸۶). «منافع قدرت نرم»، ترجمه ناصر بلیغ، فصلنامه مطالعات بسیج، شماره ۳۶.
- ۱) نای، جوزف (۱۳۸۷). رهبری و قدرت هوشمند، ترجمه محمودرضا گلشن‌پژوه و الهام شوشتری زاده، تهران: ابرار معاصر.
- ۲) نای، جوزف (۱۳۸۷). قدرت نرم، ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل، ترجمه محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، چاپ دوم، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- ۳) نجات‌پور، مجید و جمیل میلانی و سیدعلی نجاتی. (۱۳۹۳). «پدیده داعش و شگردهای رسانه‌ای»، فصلنامه رسانه و امت، (۱)، ۸۹-۹۳.
- ۴) نصری، قدیر (۱۳۹۴). «خلافت خواهی: گذشته‌گرایی غیرواقعی و آینده‌گرایی فراواقعی»، وبسایت فرهنگ امروز، منتشره در تاریخ ۱۰ آبان ۱۳۹۴، تاریخ بازنشانی: ۱ مهر ۱۳۹۹، لینک کوتاه بازنشانی: <https://bit.ly/2GdjPDc>
- ۵) نظری، علی‌اشرف و پیرانی، شهره (۱۳۹۶). «نظریه هویت اجتماعی و بازنمایی کنش هویتی داعش»، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۷۰.
- ۶) نوربخش، یونس (۱۳۹۴). «ایدئولوژی جریان داعش و دلایل تاریخی-اجتماعی گرایش به آن»، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی، سال بیست و دوم، شماره دوم، صص ۲۶۲-۲۳۹.
- ۷) هال، استوارت (۱۳۹۳). معنا، فرهنگ و زندگی اجتماعی، ترجمه احمد گل‌محمدی، تهران: نشر نی.
- 28) Dabiq, Issue 1. (2014). "The Return of Khilafah", Ramadan 1435, 5 July 2014, Raqqa: Al-Hayat Media Center.
- 29) Dabiq, Issue 2. (2014). "The Flood", Ramadan 1435, 27 July 2014, Raqqa: Al-Hayat Media Center.
- 30) Dabiq, Issue 3. (2014). "A Call to Hijrah", Shawwal 1435, 10 September 2014, Raqqa: Al-Hayat Media Center.

- 31) Dabiq, Issue 4. (2014). "The Failed Crusade", Dhul-Hijjah 1435, 11 October 2014, Raqqa: Al-Hayat Media Center.
- 32) Dabiq, Issue 5. (2014). "Remaining and Expanding", Muharram 1436, 21 November 2014, Raqqa: Al-Hayat Media Center.
- 33) Dabiq, Issue 6. (2014). "Al Qa'idah of Waziristan: A Testimony from Within", Rabi' Al-Awwal 1436, 29 December 2014, Raqqa: Al-Hayat Media Center.
- 34) Dabiq, Issue 7. (2015). "From Hypocrisy to Apostasy: The Extinction of the Grayzone", Rabi'Al-Akhir 1436, 12 February 2015, Raqqa: Al-Hayat Media Center.
- 35) Dabiq, Issue 8. (2015). "Shari'ah Alone Will Rule Africa", Jumada al-Akhirah 1436, 30 March 2015, Raqqa: Al-Hayat Media Center.
- 36) Dabiq, Issue 9. (2015). "They Plot and Allah Plots", Sha'ban 1436, 21 May 2015, Raqqa: Al-Hayat Media Center.
- 37) Dabiq, Issue 10. (2015). "The Law of Allah or the Laws of Men", Ramadan 1436, 13 July 2015, Raqqa: Al-Hayat Media Center.
- 38) Dabiq, Issue 11. (2015). "From the Battles of Al-Ahzāb to the War of Coalitions", Raqqa: Al-Hayat Media Center. Dhul Qa'Dah 1436, 9 September 2015, Raqqa: Al-Hayat Media Center.
- 39) Dabiq, Issue 12. (2016). "Just Terror", Safar 1437, 18 November 2015, Raqqa: Al-Hayat Media Center.
- 40) Dabiq, Issue 13. (2016). "The Rafidah from Ibn Saba' to the Dajjal", Rabi'Al-Akhir 1437, 19 January 2016, Raqqa: Al-Hayat Media Center.
- 41) Dabiq, Issue 14. (2016). "The Murtadd Brotherhood", Rajab 1437, 13 April 2016, Raqqa: Al-Hayat Media Center.
- 42) Dabiq, Issue 15. (2016). "Break the Cross", Shawwal 1437, 31 July 2016, Raqqa: Al-Hayat Media Center.